

تاریخ و تاریخ نویسی آموزشی

بررسی مشکلات آموزش تاریخ

گزارش: آزاده شاکری



کتاب تاریخ باید تغییر کند. برنامه‌ی درس تاریخ با نقص‌ها و کاستی‌هایی رو به رو است. تاریخ به شرح و توصیف زندگی صاحبان قدرت محدود شده است. آیا می‌خواهیم مورخ تربیت کنیم؟ ارزشیابی تاریخ مشکل دارد.

این‌ها پاره‌ای از چالش‌هایی پیش روی آموزش تاریخ، و حرفه‌ای است که در نشست ۲ ساعته‌ای مطرح شد که در آن عباس پرتوی مقدم، کارشناس مسئول گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، حشمت‌الله سلیمی، کارشناس گروه تاریخ دفتر مذکور، و فاطمه آهنگری معلم و پژوهشگر این رشته و فریده حشمتی، سرگروه تاریخ سازمان آموزش و پرورش شهر تهران حضور داشتند. آن‌چه در ادامه می‌خوانید گزارشی از این نشست است.

که انجام شده خوب بوده یا بد؟ گاه نیز از متن کتاب این طور برداشت می‌شود که رضاخان اصلاحاتی انجام نداده است و فقط در صورتی که معلم تبحر داشته باشد می‌تواند مطلب را به بهترین نحو بیان و اهداف کتاب را اجرا کند.

یکی دیگر از ایرادات کتاب، حجم خیلی زیاد آن است. با توجه به ساعت درسی بچه‌ها حجم مطالبی که قرار است به آن‌ها ارائه شود و از آن امتحان گرفته شود خیلی زیاد است.

گاهی ممکن است مطالب علمی زیادی را به دانش‌آموز بدهیم اما از آن امتحان نمی‌گیریم. من به تجربه دریافت‌هایم که مطالب غیردرسی که به دانش‌آموزان می‌گوییم، در ذهن آن‌ها بهتر باقی می‌ماند تا مطالب امتحانی که بالجبار می‌خوانند. به خاطر همین اجبار و فشار روانی، دانش‌آموز توان پاسخ‌گویی به پرسش‌ها را ندارد و به دلیل فشارهای روانی ناشی از حجم زیاد کتاب حافظه‌ی دانش‌آموز یاری نمی‌کند که تمام مطالب را به مدت

تواند بی‌علاقگی تداوم پیدا می‌کند. در محتوای کتاب گاه به شخصیت‌ها حالت قدیس گونه داده‌اند و بر عکس گاهی برخی شخصیت‌ها را مطلقاً بد نشان داده‌اند. این مشکل بزرگی است. در کتاب درسی، آدم‌ها یا سیاه سیاه‌مند و یا سفید سفید. مثلاً آیا به امیرکبیر انتقادی وارد نیست؟ قطعاً هست. ما باید این موارد را پذیریم. هر چیزی را همان‌طور که هست و واقع شده بیان کنیم. فقط معلم می‌تواند چنین مشکلی را حل کند.

● کتاب‌های درسی چه ایرادهایی دارد که به نیازهای دانش‌آموز پاسخ نمی‌دهد؟

○ آهنگری: بعضی از مسائل کتاب به گونه‌ای نوشته شده که با هم تناقص دارند. مطالب مختلفی از این دست وجود دارد. مثلاً در تاریخ معاصر گاه از اصلاحات رضاخانی صحبت می‌شود و گاهی از اقدامات او. برای دانش‌آموز این سؤال مطرح می‌شود که آیا اصلاحاتی

● به نظر شما بچه‌ها از کتاب‌های درسی تاریخ راضی هستند؟ آیا این کتاب‌ها بچه‌ها را به کشورشان و تاریخ آن علاقه‌مند می‌کند؟

○ فاطمه آهنگری: به نظر من علاقه‌مندی دانش‌آموزان به تاریخ تحت تأثیر کتاب و روش تدریس قرار دارد. معمولاً همکارانی که اطلاعات علمی بهتری دارند در جذب دانش‌آموزان موفق‌ترند و همکارانی که با بی‌علاقگی تدریس می‌کنند و یارشته‌ی تخصص‌شان تاریخ نیست، نمی‌توانند رضایت و علاقه‌مندی بچه‌ها را جلب کنند.

بحث دیگر خود مطالب کتاب است. مطالب کتاب گاه ارضا کننده‌ی نیازهای دانش‌آموزان از نظر علمی و عاطفی نیست و آن‌ها را راضی نمی‌کند. برای شان ایجاد سؤال‌هایی می‌کند که گاهی این سؤال‌ها بدون پاسخ می‌مانند. پس اگر معلم آنقدر تبحر داشته باشد، که بتواند این دانش‌آموز را راضی کند، اظهار رضایت‌مندی پیدا می‌کند و اگر

طولانی حفظ کند.

- **حجم کتاب چه طور؟ آیا حجم کتاب‌ها بازمان در نظر گرفته شده برای تدریس مناسب است؟ و در زمان مقرر می‌توان کتاب را به پایان رساند؟**

○ آهنگری: برای پایه‌ی سوم دبیرستان (انسانی)، کتاب به سختی تمام می‌شود. کتاب «تاریخ معاصر» هم به سختی در زمان در نظر گرفته شده به پایان می‌رسد. اما کتاب‌های سال دوم و پیش‌دانشگاهی رشته‌ی انسانی حجم مناسبی دارند.

با همان نگاه ۱۰۰ سال پیش به تاریخ می‌نگریم

پرتوی مقدم: من، هم سابقه‌ی دبیری دارم و هم مدت کوتاهی است که در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مشغول به کار هستم و دستی بر آتش دارم. مطالبی که در اینجا می‌خواهم عنوان کنم بیشتر متکی به سابقه‌ی دبیری ام است و بخش دیگر به کار فعلی ام. لذا می‌خواهم موضوع را کمی گستردۀ‌تر از کتاب بررسی کنم. به نظر من ما در آموزش تاریخ به طور عام (در برنامه‌ریزی، تدوین راهنمای، تولید محتوا، آموزش و ارزشیابی) با مشکلات و نارسایی‌های زیادی رویه‌رو هستیم و اگر بخواهیم بدون غرض و منصفانه نگاه کنیم، برنامه‌ی درس تاریخ (البته این اختصاص به تاریخ ندارد و سرنوشت بسیاری از درس‌ها در حوزه‌ی علوم انسانی است) با نقص‌ها و کاستی‌هایی رویه‌رو است. بخشی از این کاستی‌ها در حوزه‌ی نظر است. یعنی با فقر تئوریک رویه‌رو هستیم. بخشی هم در حوزه‌ی روش است و متأثر از کاستی‌های حوزه‌ی نظر.

این کاستی‌ها بخشی به درس تاریخ و بخش دیگری به حوزه‌ی تعلیم و تربیت به طور عام مربوط می‌شود. من در اینجا فقط از کاستی‌های درس تاریخ صحبت می‌کنم.

مهم‌ترین مشکل در درس تاریخ این است که ما درک به روز، علمی و دقیق از رشته‌ی تاریخ نداریم. (نمی‌خواهم این را به تمام دبیران یا دست اندکاران علم تاریخ تعمیم دهم ولی به طور غالباً این نارسایی وجود دارد). ما درک علمی از ماهیت، و مبادی نظری اش نداریم. نگاه‌ها و تعریف‌ها غالباً نگاه و تعریف سنتی است. در ۱۰۰ سال گذشته، در حوزه‌ی علوم مختلف تحولات اساسی صورت گرفته است ولی ما با همان نگاه سنتی به تاریخ می‌نگریم. من فکر می‌کنم اگر این مشکل رفع شود، سایر ایرادات برنامه‌ی درسی بر جسته



نمی‌شود. تصویری که از تاریخ وجود دارد، تصویری تقلیل‌گرا و محدود است. ما تاریخ را به مسائل سیاسی و نظامی تقلیل می‌دهیم و بسیاری از جنبه‌های تاریخ مانند حوزه‌ی اجتماعی، فرهنگی و به ویژه اقتصادی عمدتاً مغفول می‌ماند و بسیار کم به آن پرداخته می‌شود. برهمناس اساس، تصور و تلقی که از علم تاریخ وجود دارد محدود به شرح و توصیف زندگی صاحبان قدرت و نخبگان (عدم تأثیرگذاری سیاسی و نظامی) می‌شود. بنابراین محتوای مزبور منحصر به جزیات یا کلیات مربوط به عملکرد صاحبان قدرت است و هدفمند نیست.

این تلقی از تاریخ بر برنامه، تولید محتوا، آموزش و ارزشیابی حاکم است و مشکلاتی را به وجود آورده است. اساس این مشکل هم به آموزش و پژوهش برنامی گردد، بلکه به آموزش عالی برمی گردد. برنامه‌ی درسی ما اعتبار و مشروعیتش را از آموزش عالی می‌گیرد. این نگاه سنتی بر آموزش عالی ما حاکم است و از این طریق به آموزش و پژوهش تسری یافته است. مسئله این است که ما به طور کلی در حوزه‌ی

تعلیم و تربیت، هم از نظر تئوریک و هم از حیث روش، مشکل داریم.

● آیا بهتر نیست بحث را در

حیطه‌ی علم تاریخ ادامه دهیم؟

○ پرتوی مقدم: اما این‌ها هر دو ملازم یکدیگرند.

● بله، اما بحث این است که این محتوایی که در حال حاضر در اختیار دانش‌آموزان‌مان قرار داده‌ایم، آیا مناسب است؟ خانم آهنگری اشاره کردند که محتوای کتاب‌های درسی جذاب نیست، شما با این نظر موافق هستید؟

○ پرتوی مقدم: بله، من معتقدم مطالب کتاب جذاب نیست و دلیل عدمهاش این است که ما تلقی درست و علمی از تاریخ نداریم و آمده‌ایم تاریخ را به وقایع نگاری‌های سیاسی و نظامی منحصر کرده‌ایم، یعنی حیطه‌های دیگر ضعیف‌اند و یا از کتاب درسی غایب هستند. این یکی از اشکالات است. اشکال دیگر، نارسانی در فهم و درک است. ما نمی‌توانیم با نگاه یک بعدی به گذشته‌ی انسان به خوبی آن را درک کنیم. حوزه‌ی سیاسی ارتباط نزدیکی با حوزه‌ی اجتماعی دارد و اگر نگاه یک بعدی داشته باشیم نه تنها نمی‌توانیم فرایند تاریخ را به درستی درک کنیم که حتی حوزه‌ی سیاسی را



خودش جذب کند اما نمی‌تواند او را به تاریخ علاقه‌مند سازد.

تاریخ و هویت ملی

○ **سلیمی:** کتاب درسی یک متن آموزشی است. متن، آموزشی باید ویژگی‌هایی داشته باشد که بتواند دانش‌آموز را به خود جلب کند. این جذابیت را عوامل مختلفی ایجاد می‌کنند. مطمئناً محتوا تأثیر زیادی بر جذابیت کتاب دارد و دوستان در این باره صحبت کردند. اما عوامل دیگری نیز در جذابیت متن آموزشی تأثیر دارد، عواملی مانند نوع حروف چاپی مناسب، نثر متن آموزشی، استفاده از رنگ‌های جذاب در کتاب، مصوّر بودن آن، استفاده از جدول و نمودار و تصاویر جذاب می‌تواند در کنار محتوای کتاب بر جذابیت آن بیفزاید.

به جز این موارد، محتوا باید انسجام داشته باشد. دانش‌آموزی که برای اولین بار کتاب را می‌خواند باید کلیاتی از موضوع کتاب را درک کند.

مسئله‌ی دیگر متناسب بودن متن آموزشی با سطح درک دانش‌آموز است. دور از انصاف است که ما مطالب سطح دانشجو را به دانش‌آموز ارائه دهیم. خانم حشمتی به موضوع جالب اشاره کردند: بحث ارتباط تاریخ با زندگی روزمره‌ی دانش‌آموز. تاریخی که دانش‌آموز ما می‌خواند تا چه حد با هویتش سازگار است؟ تا چه حد او را با هویت جمعی خودش آشنا می‌کند؟ اگر این ویژگی‌ها در کتابی باشد می‌توان گفت که دانش‌آموز آن کتاب را می‌پذیرد. به نظر من رضایت یا عدم رضایت دانش‌آموزان از کتاب، نسبی است و هم نسبت به تعداد دانش‌آموزان و هم کتاب‌های پایه‌های مختلف تحصیلی متفاوت

زندگی امروزش ندارد و به همین خاطر به آن علاقه‌مند نمی‌شود.

«استنفورد» در کتابی به این موضوع پرداخته بود که چرا افراد نه در زمان تحصیل بلکه بعد از پایان تحصیلات خود به تاریخ (در قالب کتاب‌های تاریخ، داستان‌های تاریخی و فیلم‌های تاریخی) علاقه‌مند می‌شوند. من با خواندن این مطلب پی‌بردم که در سایر کشورها هم بحث بی‌علاقه‌گی دانش‌آموزان به تاریخ وجود دارد.

در حقیقت افراد، به دلایل مختلف، به کسب تجربه و یا استفاده از تجربیات انسان‌های دیگر، از طریق مطالعه‌ی

نیز به خوبی درک نخواهم کرد بنابراین هم برای مجری و هم مخاطب این ذهنیت به وجود می‌آید که این درس یا این کتاب تأثیری در زندگی آن‌ها ندارد. فقط اثر این کتاب این است که آن‌ها مجبورند بخشی از اطلاعات پراکنده، جزئی و کلی در یک حیطه را حفظ کنند، بدون این که نتایج شناختی بر آن مترب باشد. اهداف درس تاریخ هنگامی محقق می‌شود که ما بتوانیم در متعلم شناخت ایجاد کنیم. من معتقدم با تنبیه کردن اطلاعات یک سویه، پراکنده و بی‌ربط ما نمی‌توان شناخت ایجاد کرد. نمی‌توان انتظار داشت دانش‌آموز این اطلاعات



پرتوی مقدمه: مهمترین مشکل در درس تاریخ این است که ما در ک به روز، علمی و دقیقی از علم تاریخ نداریم

تاریخ، می‌پردازند. اما کتاب درسی ما این تجربه را به دانش‌آموزان منتقل نمی‌کند. من از آفای پرتوی مقدم و دست‌اندرکاران تألیف کتاب خواهش می‌کنم به این نکته توجه و علاوه بر آن بین دروس مختلف ارتباطی ایجاد کنند. مثلاً بین تاریخ و تعلیمات اجتماعی، جغرافیا و به طور کلی زندگی امروزه رابطه ایجاد شود. تاریخ کاربردی و آموزشی شود. باید هدف ما از آموزش تاریخ مشخص شود. آیا ما می‌خواهیم مورخ تربیت کنیم و یا قصدمان این است که در جامعه‌ی بهتری زندگی کنیم و ضریب عمل دانش‌آموز را در جامعه بالاتر ببریم؟ ممکن است معلم با تحریرش دانش‌آموز را به کلاس و

یک سویه را در ذهن اش، تجزیه و تحلیل و ترکیب کند و به شناخت برسد. چنین چیزی امکان‌پذیر نیست.

● **خانم حشمتی شما بفرمایید.**

○ **خانم حشمتی:** به بیش تر موارد اشاره شد. حجم کتاب، ارتباط مطالب با هم و با دروس همعرض، از آن جمله‌اند. با توجه به این کتاب‌ها بارها جرح و تعديل شده است، پیوستگی مطالب آن از بین رفته و این باعث کاهش جذابیت آن شده است.

مشکل دیگر کتاب‌ها این است که با زندگی جاری دانش‌آموزان ارتباط برقرار نمی‌کند و دانش‌آموز نمی‌تواند از آن در زندگی‌اش استفاده کند. ما دانش‌آموز را به گذشته‌اش می‌بریم که هیچ ارتباطی با

هدف‌ها و محتوا را براساس نیاز امروز طراحی نکرده‌ایم.

من روی ارزشیابی هم حرف دارم. ارزشیابی امروز ما دقیقاً براساس نگاهی است که به تاریخ داریم.

در مورد حجم درس‌ها هم باید به این نکته اشاره کنم که حجم فعلی کتاب‌ها با توجه به تاریخ طولانی کشور ما حجم زیادی ندارد. ارزشیابی ما مشکل دارد.

۵ حشمتی: شما به این اشاره کردید که نگاه سنتی به تاریخ در آموزش عالی حاکم است و به همین خاطر در آموزش‌وپرورش نیز تداوم دارد. ما دچار دور باطلی شده‌ایم. دانش‌آموزانی را با شیوه‌ی سنتی تربیت می‌کنیم به دانشگاه می‌فرستیم (بماند که عموماً معدل‌های پایین رشته‌ی تاریخ را انتخاب می‌کنند). او دویاره با همان شیوه‌ی سنتی تاریخ می‌خواند و به آموزش‌وپرورش بر می‌گردد و این جاست که‌می‌گویند: «آموزش‌وپرورش می‌تواند نسلی را بسازد»، اگر ما دانش‌آموزمان را در سطحی تربیت کنیم که مطالباتش از علم تاریخ بالاتر از سطح کنونی باشد، او در دانشگاه همین را از استادش خواهد خواست.

اگر شما با این رویکردهایی که خیلی خوب به آن اشاره کردید، کتاب را تغییر دهید، مطمئناً ارزشیابی، شیوه‌ی تدریس و نگاه دانش‌آموز تغییر خواهد کرد و دانش‌آموزان با نگاه بهتری وارد دانشگاه خواهند شد. بنابراین وظیفه‌ی دفتر تألیف و معلمان ما سنگین‌تر است، چون خوراک فکری جامعه را تأمین می‌کنند. ما باید از درون به خودمان نگاه کنیم؛ ما باید در خودمان تحول ایجاد کنیم و نباید منتظر باشیم دیگران تغییر کنند. به خصوص این کتاب حتماً باید تغییر کند. خوشبختانه شما، هم تجربه



آنگری: به دلیل فشارهای روانی ناشی از حجم زیاد کتاب، حافظه‌ی دانش‌آموز یاری نمی‌کند، تمام مطالب را به مدت طولانی حفظ کند

است. ما نمی‌توانیم تک‌تک دانش‌آموزان نظرخواهی که آیا از کتاب رضایت دارند یا نه! اما می‌توان با اطمینان گفت درصد بالایی از دانش‌آموزان از مجموع کتاب‌های درس تاریخ در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان رضایت دارند. اما این رضایت درباره‌ی تک‌تک کتاب‌های تاریخ متفاوت است.

در مجموع کیفیت کتاب‌های درسی نسبت به سال‌های گذشته بهتر و محتوای آن علمی‌تر و به سطح ادراک دانش‌آموزان نزدیک‌تر شده است.

● آهنگری: من در منطقه‌ای که تدریس می‌کنم، نظر سنجی میدانی انجام داده‌ام و بر مبنای آن می‌توانم بگویم که درصد رضایت دانش‌آموزان به ۵۰ درصد لذتمنی‌رسد.

○ پرتوی مقدم: من خیلی روی درصدها بحث نمی‌کنم. اهداف آموزش تاریخ فقط روی کاغذ می‌آید و مجری، برنامه‌ریز و مؤلف به آن هیچ توجهی نمی‌کنند و یا بر آن اشراف و آگاهی ندارند. لذا چه میزان به اهداف درس دست یافته‌اند باید برگه‌ی ارزشیابی نهایی دانش‌آموز را ببینند. بسیاری از اهداف تعلیم و تربیت مورد توجه قرار نگرفته است و تنها مجموعه‌ای از اطلاعات به دانش‌آموز انتقال یافته است. ما باید به این نکته توجه کنیم که به اندازه نیاز دانش‌آموز به او اطلاعات بدهیم که بتواند زندگی‌اش را در جامعه اعتلا بخشد.

کتاب تاریخ خوب نیست!

● آهنگری: چرا؟ شما بزرگواران باید به این موضوعات توجه کنید.

○ پرتوی مقدم: چرا؟ بله! قبول دارم. کتاب جذاب نیست چون ما تاریخ اجتماعی مردم را از تاریخ حذف کرده‌ایم. در طراحی هدف‌ها و محتوا نیاز و دغدغه‌های امروز دانش‌آموز را در نظر نمی‌گیریم. به دو دلیل: ۱. کارمان علمی نیست و روش علمی ندارد، ۲.

دانشگاهی دارید، هم معلم هستید و هم به مؤلفه‌های مورد نظر برای تغییر کتاب آشنایی دارید.

بازنگری در برنامه‌ی درس تاریخ

● در ادامه‌ی صحبت‌های خانم حشمتی سوالی دارم: آیا دفتر تأليف برنامه‌ی خاصی برای تغییر کتاب‌های تاریخ و تأليف کتاب جدید دارد؟



تعریفی به روز و علمی از علم تاریخ و روش‌های آن و طراحی اهداف مناسب و مقضی، محتوا و آموزش تاریخ را جذاب و اثربخش تر سازیم. در حقیقت ما در مرحله‌ی بازنگری در برنامه هستیم. خوبشخانه در دانشگاه هم نسل جدیدی پا به عرصه گذاشته‌اند که آن نگاه گذشته را ندارند.

- پرتوی مقدم: پس از اصلاح راهنمای برنامه و تغییر محتوا ضروری است که به آموزش معلمان توجه شود. چرا که اگر برنامه مشکل داشته باشد ولی دیر توانند باشد به راحتی می‌تواند نقص برنامه را بطرف کند.

کتاب روش تدریس تاریخ وجود ندارد

- آیا کتاب روش تدریس کتاب‌های تاریخ برای معلمان این رشته وجود دارد؟

○ حشمتی: یکی دو سال پیش آقای دکتر صالحی کتابی را با عنوان «راهکارهای آموزش تاریخ» منتشر کرده‌اند. این کتاب مجموعه‌ای از چند مقاله‌ی تألفی و ترجیمه شده به زبان فارسی است، اما کتاب تخصصی در این زمینه وجود ندارد. البته مجله‌ی رشد آموزش تاریخ در چند شماره به این موضوع پرداخته است.

○ سلیمی: این مجله دو ویژه‌نامه درباره‌ی روش آموزش تاریخ دارد. خود من نیز کتابی با موضوع راهنمای آموزش تاریخ‌شناسی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی در دست تأليف دارم. این کتاب در مراحل آخر کار تأليف است و انشاء.. به زودی تقدیم همکاران خواهد شد.

● آیا برنامه‌ای جهت تأليف کتاب روش تدریس خاص کتاب‌های تاریخ وجود دارد؟

○ سلیمی: تا وقتی تغییرات کتاب‌ها پایان نیابد و کتاب‌ها ثبیت نشوند، نمی‌شود راهنمای معلم یا راهنمای آموزش تاریخ نوشت.

○ حشمتی: البته در سال‌های اخیر

سلیمی: تا وقتی کتاب‌ها تغییر نکنند و ثبیت نشوند؛ نمی‌شود راهنمای معلم یا راهنمای آموزش تاریخ نوشت

○ حشمتی: در سایر کشورها رشته‌ای به نام آموزش تاریخ وجود دارد، اما ما از دیبران مان چیزی را می‌خواهیم که به آن‌ها آموزش نداده‌ایم. مجله‌ی آموزش تاریخ در یکی دو شماره به این موضوع پرداخته است، که کار بسیار خوبی است. دیبران ما آموزشی در این‌باره نمیدهند. ما بیشتر از دیبران خودمان در دیبرستان تأثیر گرفته‌ایم و در واحدهای دانشگاهی مان، درسی با این عنوان نداشته‌ایم. در دروس تربیتی هم کسانی به ما تدریس می‌کردند که تاریخ نمی‌دانستند.

○ آهنگری: در دیبرستان کم نیستند معلمانی که به سبک مدنظر آقای پرتوی مقدم کار می‌کنند. اما متأسفانه ارتباط بین رشته‌ای کم است و فقط کسانی می‌توانند در این زمینه موفق باشند که خودشان علاقمند بوده‌اند، اطلاعات کافی را به دست آورده‌اند و ارتباطی بین تاریخ و سایر رشته‌ها ایجاد کرده‌اند. کسی به چنین معلمانی

○ پرتوی مقدم: مطرح شدن این بحث‌ها نشان می‌دهد که دغدغه‌هایی وجود دارد، آسیب‌شناسی صورت گرفته است. اگر ما امروز این حرف‌ها را می‌زنیم، در اثر نتایجی است که در سر کلاس به دست آورده‌ایم. ما نتوانسته‌ایم به دانش آموزی که از سال چهارم دبستان در اختیار درس تاریخ بوده است، شناخت بدھیم که بتواند شرایط کنونی خود و جامعه‌اش را بسنجد و بداند کشورش در کجا تاریخ قرار گرفته است. ما به تلنبار کردن ذهن دانش آموز می‌پردازیم. به قول یکی از بزرگان اساتید تاریخ که می‌گوید «این شکل از آموزش تاریخ علم انبارداری است». ما حتی به این علم انبارداری هم به درستی نمی‌پردازیم. چون در پایان که دانش آموز از مدرسه خارج می‌شود. چیزی همراه ندارد. هم اکنون اصلاح راهنمای برنامه‌ی درسی تاریخ در سورای برنامه‌ریزی گروه تاریخ هم مطرح است و امیدوارم با تلقی و

چه مشکلی دارد؟
○ آهنگری: ارزشیابی تاریخ خیلی دانشی است.

● آیا مقررات ایجاب می‌کند که ارزشیابی به این شکل انجام شود؟
○ آهنگری: بله.

○ پرتوی مقدم: شکل ارزشیابی کنونی درس تاریخ به این صورت است که دانش آموز فلکزده باید سطربه‌سطر و کلمه‌به کلمه‌ی کتاب را حفظ کند و هیچ‌چیزی که نشان از فهم باشد بر این کار او مترب نیست. تنها قدرت حافظه‌ی دانش آموز سنجیده می‌شود. دانش آموزی که قدرت حافظه‌ی انجیزه‌ی خاصی داشته باشد به هر زحمتی از پس امتحان بر می‌آید. برخی دیگر نمی‌توانند، زیر بار این کار نمی‌روند، بهویژه هنگامی که تشخیص می‌دهد این کار هیچ نفعی برایش ندارد.

البته این مشکلات خاص درس تاریخ نیست و درس‌های دیگر چنین معضلاتی را کم و بیش دارند. این شکل از ارزش‌یابی اغلب توأم با اضطراب است و با وجود اضطراب و استرس

حشمتی: کتاب تاریخ با زندگی جاری دانش آموزان ارتباط برقرار نمی‌کند و دانش آموز نمی‌تواند از آن در زندگی‌اش استفاده کند

هیچ یادگیری اتفاق نمی‌افتد.
○ آهنگری: من و یکی از همکارانم آزمایشی درباره‌ی تدریس و ارزشیابی درس تاریخ انجام داده‌ایم. قسمتی از کتاب را ایشان به صورت کاملاً سنتی و من به صورت کاملاً تحلیلی و به روز

کلمه‌ی آشنایی آغاز می‌شوند و تازه حدومرز آشنایی هم تعریف و تبیین شلهمست

● در هدف‌نویسی مراد از آشنایی کدام است؟

○ پرتوی مقدم: ضمن این‌که در هدف‌ها بیشتر به حوزه‌ی دانش توجه می‌شود تا حوزه‌ی شناختی و تربیتی. اگر اهدافمان را براساس اهداف تربیتی (و نه تاریخ برای تاریخ) تعریف کردیم، اگر تاریخ را برای این آموزش دادیم که یک شهروند آگاه، خلاق، معتمد و نقاد تربیت کنیم. آن‌گاه موفق خواهیم بود.

○ سليمی: اما نظام آموزشی ما به سنتی می‌رود که اهداف جزئی بیشتر مورد نظر است.

○ حشمتی: بله! دقیقاً. اهدافی مثل کنکور.

○ پرتوی مقدم: کنکور هدف نیست. ابزار است.

○ سليمی: واقعیت نظام آموزشی ما این است.

کنکور هدف شده است. باید اهداف در کتاب درسی مشخص شود و سیستم

فتح‌بابی شده و در گروه‌های آموزشی تلاش شده است از روش‌های جدید تدریس در آموزش تاریخ استفاده شود. همکاران روش‌های مختلف تدریس را مطالعه کرده و سعی کرده‌اند آنرا با درس تاریخ هماهنگ سازند و خیلی از دیگران ما روش‌های جدید را به کار می‌برند.

○ آهنگری: معلمان ما تلاش زیادی می‌کنند اما با موانع زیادی مانند شیوه‌ی ارزشیابی بخورد می‌کنند و این موانع آن‌ها را باز به سمت روش‌های سنتی سوق می‌دهند.

○ پرتوی مقدم: این به خاطر همان تلقی نادرست از تاریخ است. آن نگاه سنتی روش آموزش سنتی را می‌طلبد. با آن نگاه از هر روشی استفاده کنی به خانه اول برمی‌گردی. اگر نگاهاتان تغییر کند ارزشیابی هم زیرورو و خواهد شد. باید بدانید در درس تاریخ هدف این نیست که ما مجموعه‌ای از اتفاقات، شخصیت‌ها و مکان‌ها وارد ذهن دانش آمو زشود.

هدف باید کسب شناخت باشد و براساس آن شناخت علاقه‌ای ایجاد شود و تغییر رفتار صورت گیرد و بنابراین ارزشیابی را براساس نگاه کلی و اهداف صورت می‌پذیرد.

○ سليمی: در اینجا می‌توان گفت اهداف برنامه‌ریزان و مجریان یکی نیست.

کنکور هدف نیست

ارزشیابی ملزم به طرح سوال در راستای این اهداف شود. ولی کتاب اهداف را مشخصاً تعیین نکرده است. متن کتاب نقادانه نیست و فقط اطلاعات خاصی را در اختیار دانش آموزان قرار داده است.

● شیوه‌ی ارزشیابی درس تاریخ

○ پرتوی مقدم: بله، همین‌طور است. ما هنوز حتی در دفتر برنامه‌ریزی، هدف‌های درس تاریخ را مطابق هدف‌های تربیتی تعریف نکرده‌ایم. هدف‌های ما در حوزه‌ی دانش است. هدف‌های ما همه با



تدریس کردیم. این قسمت مربوط به هیتلر و ناپلئون بود. سوالاتی را برای دانش‌آموزان یکدیگر مطرح کردیم. مفهوم یکی از سوالات این بود که روش کار ناپلئون و هیتلر را با هم مقایسه کنید و آنرا ارزیابی کنید.

دانش‌آموزان من به بهترین وجه ممکن به این سوال پاسخ دادند و موضوع را به صورت تحلیلی بررسی کردند اما اکثریت آن‌ها نتوانستند به سوالات دانشی همان درس پاسخ دهند. درحالی‌که دانش‌آموزان کلاس همکاری توانستند، به حدود ۵۰ درصد از سوالات پاسخ دهنده اما رضایتمندی وجود نداشت، درحالی‌که دانش‌آموزان کلاس من از سوالات تحلیلی کاملاً رضایت داشتند.

ارزشیابی تاریخ دانشی است

- چه کسانی متولی طراحی سوالات امتحانی درس تاریخ هستند؟ آیا معلمان متبحری به این منظور انتخاب می‌شوند؟

- حشمتی: اداره‌ی کل سنجش و ارزشیابی این کار را انجام می‌دهد اما این‌که تا چه حد از دبیران مجرب استفاده می‌کند و این‌که اصلاً از چه دبیرانی برای این کار کمک می‌گیرد مخفی می‌ماند.

- پرتوی مقدم: اشکالات ارزشیابی فقط به اداره‌ی سنجش و ارزشیابی برنمی‌گردد. همکاران ما در مناطق مختلف هم ارزشیابی را منطبق با اهداف کتاب انجام نمی‌دهند. بیشتر آزمون‌های درس تاریخ ایراد اساسی دارند؛ یکی این‌که سوالات به لحاظ فنی و اصول آزمون‌سازی استاندارد نیست. دوم این‌که هیچ‌گونه همخوانی با اهداف کتاب و دوره‌ی تحصیلی ندارد؛ مهم‌ترین اهداف نادیده گرفته شده و سوالات متناظر با

از لحن معلم و یکنواختی کلاس خسته و خواب‌آلود شود. این روش‌ها زمینه‌ی مشارکت دانش‌آموز در بحث و تحلیل مطلب را فراهم نمی‌کند. دانش‌آموز را خلاقی بار نمی‌آورد بلکه او را به یک موجود منفعل تبدیل می‌کند که گفته‌ی معلم را می‌پذیرد و از خودش هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد. اما در شیوه‌ی مشارکتی موضوع درس به چالش کشیده می‌شود. معلم سؤالی مطرح می‌کند، دانش‌آموزی پاسخ می‌دهد. دانش‌آموز دیگر پاسخ او را نقد می‌کند و این باعث می‌شود کلاس از آن حالت متكلّم و حده بودن معلم خارج و پویا شود.

غیر از این، در شیوه‌ی سنتی معلم فقط به متن کتاب درسی متنکی است و اگر خارج از بحث کتاب صحبت کند، دانش‌آمو زاعترا ض می‌کند. در شیوه‌ی جدید معلم می‌تواند با

گروه تاریخ دفتر تألیف آمادگی دارد، دوره‌های آموزش طراحی آزمون‌های استاندارد را، متناسب با اهداف اصلی کتاب، برگزار نماید و سال گذشته نیز به اداره‌ی کل سنجش و ارزشیابی چنین پیشنهادی داده‌ایم.

بیشتر آزمون‌های کنونی درس تاریخ، وسیله‌ای برای سنجش و یادگیری نیست، بلکه بیشتر ابزاری برای مجازات متعلم است. درس تاریخ برای زجرکش کردن یا مجازات دانش‌آموزان تدریس نمی‌شود. با این روش چطور انتظار داریم که دانش‌آموزان به درس علاقه‌مند شوند و بعد از امتحان کتاب را

سلیمی: عواملی مانند نوع حروف چاپی نشر متن آموزشی، رنگ‌آمیزی کتاب، مصور بودن آن، استفاده از جدول و نمودار و تصاویر جذاب می‌تواند در کتاب محتوای کتاب مورد توجه قرار گیرد

حفظ چارچوب درس از ابزارهایی مانند نقشه، نمودار، فیلم‌های تاریخی (که معلم قبل از کلاس آن را دیده است). استفاده کند. اجرای این شیوه با مشکلات و موانع مختلف رو به رو است.

ابتدا مسئولین اجرایی مدارس هم به در حاشیه ماندن درس تاریخ کمک می‌کنند. درس تاریخ در برخی مدارس به قطعه‌ای از پازل برای مرتب کردن برنامه‌ی درسی مدرسه تبدیل شده است. درس تاریخ به برنامه‌ای تبدیل شده که می‌توانند روی آن حساب نکنند و آن را به معلم دیگری که کسری ساعت دارد،

دور نیاندازند. طبیعی است که این روش ارزشیابی در آن‌ها ایجاد اضطراب کند و رفتارهای این چنین را به وجود آورد.

درست است که خیلی از مطالب کتاب دانشی است اما حتی در مورد این مطالب هم بهتر است ارزشیابی از مطالب دانشی ارزشمند که به علت‌ها، نتایج و زمینه‌ها می‌پردازد صورت گیرد.

○ سلیمی: یکی از مشکلات هم، شیوه‌ی تدریس رایج است. غیر از آن در روش تدریس سنتی معلم متكلّم و حده است و از اول تا آخر کلاس باید صحبت کند. طبیعی است که دانش‌آموز

۰ پرتوی مقدم: من معتقدم دوره های ضمن خدمت صرفاً به این دلیل برگزار می شود که دبیر امتیاز شرکت در آن را بگیرد. دوره های ضمن خدمت ما باید وارد مبانی نظری ماده‌ی درس، هدف های فرهنگی و تربیتی درس، روش های ارزشیابی و فرایندهای کلی تاریخ شود. در مورد ارزشیابی هم من معتقدم ارزشیابی باید به ارزشیابی

جاوهی اجرای چنین روش‌هایی را به معلمان می‌دهند؟

۵- سلیمی: می‌شود این روش‌ها را اجرا کرد اما نه در هر جلسه. کتاب درسی هم با وجود ایراداتی که دارد، دست معلم را در بسیاری از موارد بازگذاشته است.

بخش‌هایی مانند «فکر کنید و پاسخ دهید» و «یا اندیشه و جست‌وجو» در

بدهنند. در حالی که شأن تاریخ بالاتر از این است. برنامه ریزان ما درسی را نسبت به تاریخ ارجحیت نداده‌اند اما در عمل

پرتوی مقدم: ما لازم است دانش آموزی تربیت کنیم که موقعیت کنونی خود، جامعه و سرزمین اش را درک کند

هنگری: معلمان ما تلاش زیادی می کنند اما با موانع زیادی مانند شیوه‌ی ارزشیابی رخوردمی کنند

توصیفی تغیر کند.

۵) حشمتی: ارزشیابی نسبت به سال‌های قبل تغییر زیادی پیدا کرده است. همکاران ما در این زمینه فعالیت زیادی انجام داده‌اند. از اساتید زیادی دعوت شده است. گروه‌های آموزشی بدون هیچ توقعی این کار را انجام داده‌اند و گام‌های بلندی در این زمینه برداشته شده است.

باشد به نکته‌ای درباره‌ی تاریخ پیش‌دانشگاهی اشاره کنم. اگر بخش‌هایی از این کتاب در سال‌های اول دبیرستان تدریس می‌شد، بهتر بود. مثلاً استفاده از تصاویر و سکه‌های تاریخی در درس‌ها، در کتاب‌های ایران و جهان ۱ و ۲، تصاویر زیادی وجود دارد اما دانش‌آموز درک معناداری از این تصاویر ندارد. اما گر اطلاعات کلی درباره‌ی سکه‌های تاریخی و یا نقش اسناد و تصاویر در مطالعات تاریخی در اختیار دانش‌آموز قرار بگیرد، او توانایی تجزیه و تحلیل تصاویر را خواهد داشت.

○ از مشارکت فعال همهی شما در این میزگرد سپاسگزارم.

کتاب می‌تواند بخشی از نمره را به خودش اختصاص دهد.

ساده‌ترین کاری که یک معلم می‌تواند
نجام دهد استفاده از نقشه‌های تاریخی
ست. معلم می‌تواند سرزمین ایران در
وایل حکومت قاجار را با وضعیت
آن در اواخر حکومت ناصرالدین شاه
مقایسه کند و از دانش آموز بخواهد
تحلیلش را از کم شدن اراضی کشور
راهه دهد.

دانشآموز باید شش بار درس را بخواند

پرتوی مقدم: خانم حشمتی، شما که سرگروه شهر تهران هستید، باید درباره ارزشیابی فکری بکنید. ارزشیابی لان معضل بزرگی است. پیشنهاد کنید دوره های طراحی آزمون های استاندارد و رژیسیون های علمی برای دبیران تاریخ را گزار شود.

● دوره‌های ضمن خدمت در حال حاضر چه ویژگی دارند؟ آیا کافی و کاربردی هستند؟

تاریخ با این مشکلات مواجه می‌شود.
تلریس تاریخ به معلمان
غیرمتخصص محول می‌شود که
نمی‌توانند رسالت واقعی معلم تاریخ را
ایفا کنند در چنین حالتی در نتیجه تاریخ
به سؤال و جواب‌هایی تبدیل می‌شود
که دانش آموز حتی بدون حضور معلم و
با کمک کتاب‌های کمک آموزشی آنرا
بخواند.

یکی دیگر از مشکلات، نگرش جامعه نسبت به درس تاریخ است. در حقیقت نگاه آنی به نفع رسانی این رشته به آن آسیب می‌زند. امروزه رشته‌هایی مورد پذیرش و توجه هستند که در آینده درآمد بیشتری داشته باشند. دانش‌آموزان از این غافلند که این درس نفع آتی دارد نه نفع آنی، و آن‌ها را با هویت، آداب و رسوم و سنت‌شان آشنا می‌کند.

در کشورهای دیگر دانش آموزان با معدل بالا در رشته‌ی تاریخ تحصیل می‌کنند اما در کشور ما نسبت به این رشته بی‌مهری شده است و این به نگاه خانواده‌ها به این درس بر می‌گردد.

● در دانشگاه‌ها درس یا واحدی
با عنوان آموزش تاریخ تدریس
می‌شود؟

- سليمي: خير آيا امکانات مدرسه، مدیریت، وقت کلاس و یا حتی خانوادهها